

مدل فرهنگی توسعه



فرهنگی تعیین می‌نمایند که آیا احتمالات مطرح شده به واقعیت مبدل می‌شود، یا خیر؟

یکی از مهمترین مدل‌های فرهنگی توسعه تحت تأثیر اندیشه‌های ماکس وبر، جامعه‌شناس آلمانی، شکل گرفت. وی در کتاب اخلاق پروتستانی و روح سرمایه‌داری تأکید می‌کند که آغاز سرمایه‌داری غربی مستقیماً بر مجموعه پیچیده‌ای از نگرش‌های دینی براساس تفسیرهایی از روابط مردم با خداوند و انعکاس آنها در زندگی روزمره بود. وی معتقد بود که رشد سرمایه‌داری و تغییرات ملایم با آن ناشی از فردگرایی و خودخواهی اقتصادی افراد نیست، بلکه باید آن را نتیجه جهت‌گیری جدیدی دانست که الهیات کالونی آن را به وجود آورده است. در واقع در الهیات کالونی آنچه انسان انجام می‌دهد، «خدمتکاری» یا نگرشانی از اموال خدا بر روی زمین است و اراده الهی بر آن است که مردم باید در نهایت جدیت و نظم و ترتیب «خدمتکاری»

افکار، و نهایتاً رفتار مساعد و مخالف توسعه دارد. بر این اساس باید گفت که منظور از فرهنگ، آمیزشی از ساخت اجتماعی و ساخت فکری جامعه و حاصل تأثیر و تأثر متقابل آن دو است. این ساخت در طول زمان، به وجود می‌آید. و بنابراین جنبه تاریخی دارد و معمولاً بدون طرح و نقشه قبلی و براساس نیازها به وجود می‌آید؛ به همین دلیل الزاماً معقول و دارای اجزای کاملاً سازگار با یکدیگر نیست؛ و مهمتر از همه آنکه تعیین‌کننده الگوهای رفتاری است. در نتیجه آنچه مهم است ساخت فکری جامعه است که صرف نظر از منشأ تکوینی آن و روابط زنده‌ای که با سایر اجزای نظام اجتماعی دارد، تأثیری عمیق و سازنده بر چگونگی، و تحول روابط اجتماعی و ساخت اجتماعی و پیامدهایش بر جای می‌گذارد.^۳ چنانکه لیپه نیز اظهار می‌دارد: شرایط ساختی، توسعه را امکان‌پذیر می‌کند، در حالیکه عوامل و متغیرهای

ناباور، مردم‌شناس انگلیسی، فرهنگ را کلیت درهم تافتگی می‌داند از دانش، دین، هنر، قانون، اخلاقیات، آداب و رسوم، و هرگونه توانایی و عادت که آدمی همچون عضوی از جامعه بدست می‌آورد.^۱ اما در مورد نقش و رابطه فرهنگ و توسعه باید گفت که برخی صاحب‌نظران که نقش فرهنگ را در جریان توسعه، مهم و اساسی تلقی می‌کنند، فرهنگ را مجموعه‌ای از آراء و عقایدی می‌دانند که ویژگیهای زیر را در خود دارد: ۱ - مورد قبول و پذیرش اکثریت مردم است؛ ۲ - پذیرش آن جنبه افغانی دارد یعنی نیازمند بحث و استدلال نیست؛ ۳ - ایجاد یا شکل‌گیری آن نیازمند زمان است.^۲

نکته مهمی که در اینجا باید بدان اشاره کرد این است که تعریفها با اینکه جامع و واضحند اما سطوح مختلف فرهنگ در ویژگیهای فوق‌الذکر در آنها نادیده گرفته شده است. ضمن اینکه طرز نگرش فلسفی جامعه تأثیری عمیق بر پرورش

«شغل» خود را به انجام رسانند. هیچ فردی نباید در اموال خداوند اسراف کند و آن را تلف نماید. ولخرجی و فخر فروشی با استفاده از نعمتهای خداوندی گناه محسوب می شود و صرفه جویی، پشتکار، راستگویی و موفقیت در انجام وظایف شغلی از نشانه های تقرب به خداوند است. به عقیده وبر این آموزه شوری در مؤمنان برانگیخت که در نهایت توانست به فراوانی اقتصادی، رشد سرمایه داری و بسط صنعت کمک کند.

به نظر یکی از متفکرین، وبر اصطلاح عقلگرایان را به عنوان یک اصطلاح هنری به کار برده است و منظور وی از این مفهوم، نظام اقتصادی است که مبنی بر انطباق منظم و حسابگرانه ابزار اقتصادی به منظور دستیابی به منفعت اقتصادی است، چنین نظامی بر اساس عادت و سنت نیست. اما پرسشی که به ذهن می آید این است که چرا این روحیه بر نگرش متعارف و معمول که تمایل افراطی به ثروتمندی را غیراجتماعی و غیراخلاقی تلقی می کرد، پیروز شد. وبر جواب می دهد که این پیروزی را باید دستاورد نهضتهای دانت که منشأ آنها انقلاب دینی در سده شانزدهم میلادی است.

همچنین، ایده اصلی وبر که برای اثبات نظریه اش در کتاب اخلاق پروتستانی و روح سرمایه داری بدان استناد می کند، در واژه حرفه مستجلی است. لوتر همانند اغلب متالهان سده های میانه، حرفه را به معنی نوعی زندگانی می دانست که فرد بنابر مشیت الهی داراست و سرچشمی از آن مخالف احکام الهی است. وبر مدعی است که از نظر یک کالونیست، حرفه وضعیتی نیست که فرد در آن به دنیا می آید؛ بلکه فعالیت حساب شده و مناسبی است که برای خود برمیگزیند و با احساس مسؤولیت شرعی آن را دنبال می کند. فعالیت اقتصادی که زمانی خطری برای روح تلقی می شد، پس از تعمید در آبهای شفا دهنده، ولی بخورده الهیات کالونیستی، فداسی نو پیدا می کند. کار فقط یک وسیله اقتصادی و امرار معاش نیست، بلکه هدفی معنوی است. آزمندی هرچند خطری برای روح تلقی می شود، اما از بطلالت و بیکاری سهمگینتر نیست. از آنجا که نهیدستی، اخلاق را زایل می کند، فرد موظف است حرفه پردرآمدی برای خود برگزیند. میان تقوا و ثروتمندی نه تنها تضادی وجود ندارد، بلکه آن دو مستعد

● گرایش به تقدیر یکی از عوامل تعیین کننده سبک رفتار و نگرشهای افراد است. این باور به دو شکل کلی آشکار می شود: مبارزه قهرمانانه یا گوشه گیری منفعلانه.

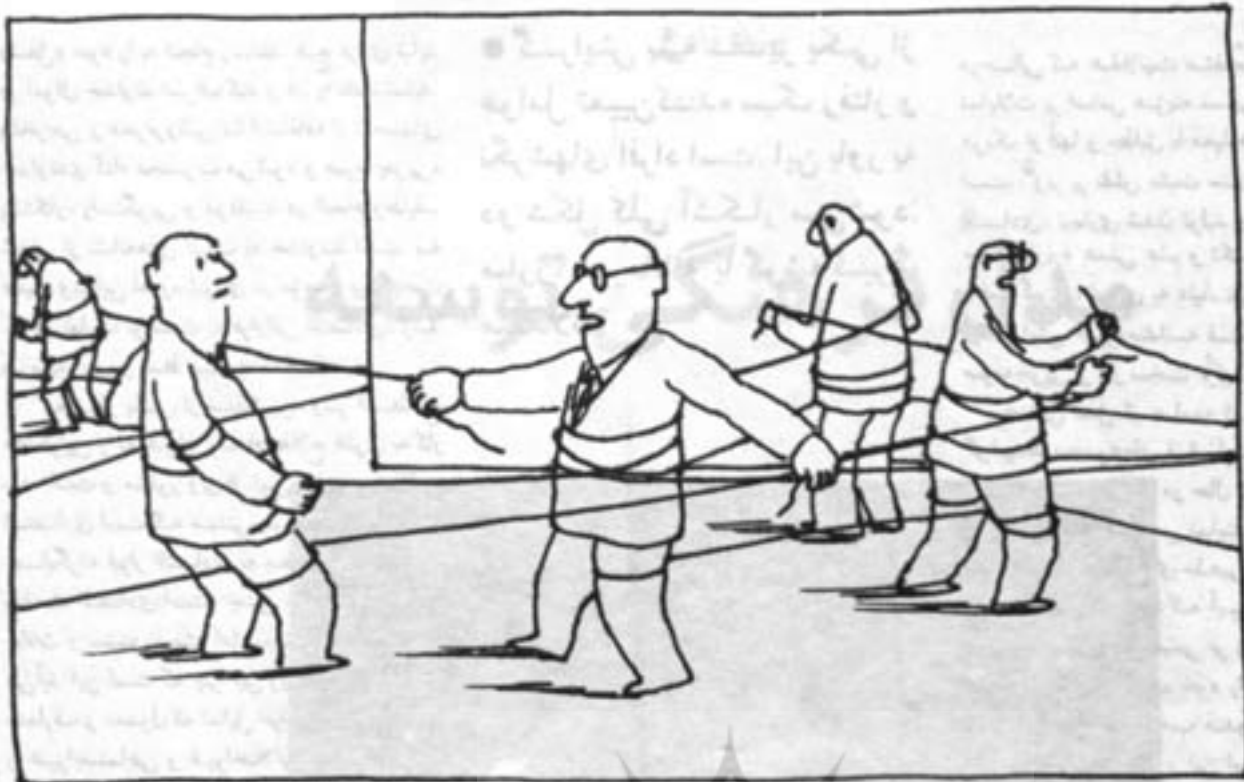
درحالی که عقلانیت متضمن ارزیابی دایم تمایلات بر اساس هزینه نسبی دست یابی به هر یک از آنها و مطابق با معیارهای کارآمدی فنی است. ^۵ وبر بر نقش مثبت سازمان خردمندانه اقتصادی، تجاری شدن تولید و کسب حداکثر سود، کاربرد عملی علم و تکنولوژی، تغییر از جهت گیری اخروی به دنیا، توجه به دانش، و آزمایش خردمندانه فعالیتها و فضیلت صرفه جویی و کار سخت تأکید نمود.

چندین نسل از جامعه شناسان پیرو وبر کوشیدند مجموعه ای از ارزشهای فرهنگی را که برای نوسازی جوامع در حال توسعه با اهمیت تلقی می شدند مشخص نمایند. رالف پیرس در مطالعه ای که درباره آرای مذهبی آیین سبک انجام داده، اظهار می دارد که آیین سبک همانند پیورتیسم، تأثیر مستقیمی بر زندگی روزمره فرد سبک دارد. آیین سبک خود را از محدودیتهای ناشی از اعتقادات مذهب هندو نسبت به طبقه متفصل کاست رها کند و این امر سبکها را قادر ساخت که به هر نوع شغلی به جز گدایی اشتغال ورزند. این آیین بر ارزشهای سختکوشی همراه با یک زندگی بی پیرایه تأکید می ورزد. زندگی سبکها نشانگر وحدت گرایش دنیا و آخرت است که به بارزترین وجه در نحوه نگرش مثبت آنها به روحیه کارفرمایی و غشندوی آنها از انتقال به انواع مشاغل جدید متجلی می گردد.

همچنین کندی در مطالعه خود در مورد پارسیان هند، پنج ارزش را در میان زرتشتیان که راهنمای رفتار و سلوک آنان در زندگی روزانه است را برمی شمرد: دو گرایش عقلانی (کنساجویانه، که معرف تمایل به افزودن بر مکتب مادی خود است، عقلانیت مالی که به صورت رویه های حسابداری عقلانی بیان می شود. عقلانیت کاری که متضمن این اعتقاد است که کار مادی ذاتاً نیک است. و سرانجام عقلانیت علمی که نظم ذاتی را در طبیعت و اعتقاد به معیاری حسی برای تشخیص صحت سقم را مفروض می دارد. وی خاطر نشان می سازد که حتی در سال ۱۷۶۱ نویسندگان مختلف اروپایی درباره نخستین قدم کشتی سازی و بعدها در دهه ۱۸۸۰ درباره نقش پارسیان در ساختمان راههای آهن، سخن گفته اند. علاوه بر اینها، بر طبق نوشته های دورسویی در ۱۸۸۵ بزرگترین تعداد و بیش از نیمی از تمامی جامعه

یکدیگرند. زیرا فضایی از قبل پشتکار، اساک، هوشیاری و دوراندیشی که یک فرد برمیگزیند و تحصیل آنها را واجب می داند، قابل اعتمادترین جواز برای ورود به مرحله رفاه اقتصادی است. بدین ترتیب ثروتمندی که زمانی دشمن دین محسوب می شد، اکنون به عنوان مشخصه دین پذیرفته می شود. عادات و شهادتهایی که این فلسفه در آنها نمود پیدا کرده سالها پس از آن آیین باقی ماندند و آنچه منشأ آنها بود منقرض شد و با از اروپا خارج و به مناطق سازگارتر انتقال یافت.

آنچه که توجه وبر را در بررسی سرمایه داری غربی برانگیخت فرایند عقلانی شدن بود که در اروپای غربی شکل می گرفت. او به هنگام بحث در تباین میان فتوالبسم و سرمایه داری بین ارزشهای سنتی و عقلانی تمایز قابل شد. سنت گرایان در رفتار اقتصادی از دیدگاه وبر، «ثابت ماندن برای معیاری تغییرناپذیر درباره امیال مشخص»، همراه با راههای حصول به آنها است.



پارسیان از تجار، بانکداران و دلالان حمایت می‌کنند، که این امر خود دلیل گرایش فکری پارسیان هند به مسائل تجاری است. همچنین بر طبق سرشماری ۲۲ - ۱۹۴۰ پارسیان (که تنها ۳٪ درصد از کل جمعیت هند را تشکیل می‌دهند) ۶/۸ درصد مدارک تحصیلی مهندسی، ۲/۷ درصد مدارک تحصیلی پزشکی و ۱/۷ درصد مدارک علوم و ۱/۴ درصد کل مدارک تحصیلی اندک شرفه از کشورهای غربی در هند را تصاحب کرده‌اند. گندی با استناد به این داده‌ها، نتیجه می‌گیرد، که رابطه مثبتی میان قبول ارزشهای تجاری و تکنولوژیک و ظهور سلوک تجاری و تکنولوژیک وجود دارد.^۶

در مطالعه دیگری که رز^۷ در هند انجام داد، این نتیجه بدست آمده است که ارزشهای اصلی مذهب هندو وظیفه، نقش محول و تقدیر و ایمان به آن مانع توسعه اقتصادی می‌شوند. زیرا این ارزشها فعالیت‌های دنیوی و نوآوری را تقبیح نموده و باور به تقدیر را جزئی از نظم غیرقابل کنترل دنیا می‌دانند درست برعکس کالونیسیم که کار سخت، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری واجتناب از اسراف را ترغیب می‌نماید. مانگالاپوس^۸ نیز دو

عامل اجاره‌داری اشتراکی و جامعه فئودالی وابسته به آن و نهاد مینستا (برگزاری جشنهای باولخرجی زیاد در روزهای ملی معین همچون تولدها، جشنهای عروسی، برداشت محصول) در قبلیین را از موانع توسعه اقتصادی می‌دانند. بنا به نظر وی، پاسخ به این سؤال اصلی را که چرا آسیا فقیر و اروپا توانگر است می‌توان در این نکته یافت: در حالیکه اروپاییان بر ثروت به عنوان وسیله برای تولید بیشتر می‌نگرند، آسیاییان به کالاهای مصرفی‌شان به عنوان مصرف ولذت می‌نگرند. این گرایش آسیایی نسبت به ثروت، مصرف، سرمایه‌گذاری حال و آینده زندگی ریشه را در عصر اندیشه فلسفی کهن آنان دارد. این گرایش تحت سلطه یک مفهوم باور به تقدیر دوری قرار گرفته است.

در مطالعه دیگری که توسط آرنولد رز در هند صورت گرفته این نتایج به دست آمده است: شماری از ارزشها و نهادهای سنتی، هند را از فعالیت‌های اقتصادی عمده باز داشته است. خانواده‌های پیوسته و کلان و نظام کاستی، وابستگی و تسلیم را ترغیب می‌کند و حتی افراد بزرگسال را از تصمیم‌گیری بدون مشورت با

بزرگترها منع می‌کند. کاست و مؤسسات ستراش عامل بازدارنده محرک شغلی است. حتی اگر کمبود نجات، بنا و ماهیگیر وجود داشته باشد، کاستهای دیگر حاضر به انجام دادن این کارها نیستند. این امر باعث کم‌کاری دائمی می‌شود. تفکیک بسیاری از مشاغل و نجس شمردن آنها، مانع انجام این امور بوسیله کاستهای بالا و برتر می‌شود. به علت آنکه کاستها حاضر نیستند با یکدیگر کار کنند. همبستگی اجتماعی نیز وجود ندارد (شاید بتوان گفت یکی از دلایل عمده شکست مردم هند از اقوام ضعیف‌تر همین امر باشد). انتخاب کارگران بر اساس زمینه خانوادگی و نه علاقه و استعداد است و بیشتر جنبه توارثی دارد. گرایش به خانواده پشند رایج است و صنایع و ادارات دولتی همچون خانواده اداره می‌شوند. مقام دوستی و ترجیح کارهای اداری، خودداری کارکنان دولتی سطح متوسط و حتی محلی از انجام کارهایی که دست آنها را کسب کند. پارسی‌بازی، ارتشاء در میان دست‌اندرکاران امور دولتی و مؤلفین دولتی از جمله عوامل بازدارنده فعالیت‌های اقتصادی است. اعتقاد به خرافات و جادو که در سراسر هند رواج دارد، عوامل بازدارنده دیگر است. حتی تحصیلکرده‌ها هم به جادو اعتقاد دارند. اتکاء به طلسم حتی در میان پزشکان، عقیده به طالع بینی در میان افسران و یا رگه‌های تفاله‌های فنجان چای توسط اساتید دانشگاه یک امر عادی است.

گیلمن نیز ویژگی‌های فرهنگی آمریکای لاتین را به شرح زیر به تصویر می‌کشد:

- ۱ - جامعه‌ای که بالنسبه سخت قشریندی شده شامل دو طبقه اشرافیت زمیندار و طبقه پایین متشکل از دهقانان و مستخدمان محلی که، علی‌رغم رشد فزاینده کارگران کشاورزی، کارگران صنعتی و طبقه متوسط بسیاری از خصوصیات شبه کاستی و نیمه فئودالی آن هنوز پابرجا مانده است.
- ۲ - موقعیت لوزان طبقات متوسط ابتدایی، که به دلیل تماس و ارتباط کم با دنیای مدرن از آگاهی طبقاتی و ایدئولوژی خودآگاه برخوردار نیستند. این طبقات برای ایجاد تغییرات اجتماعی متفعل بوده و به طور عمده تحت تأثیر طبقات بالا هستند.
- ۳ - برخلاف فرهنگ آمریکای شمالی که تأکید

● کار تنها وسیله امرار معاش نیست، بلکه هدفی معنوی است. آزمندی هرچند خطری برای روح است، اما از بی‌کاری سهمگین تر نیست.

● وبر: نوع نگرش غرب به جهان مادی و رشد سرمایه‌داری ناشی از فردگرایی و خودخواهی اقتصادی افراد نیست بلکه باید آن را نتیجه جهت‌گیری الهیات کالونی دانست.

زیادی بر برابری اجتماعی دارد. فرهنگ آمریکای لاتین نابرابری اجتماعی را مورد تأکید قرار می‌دهد.

۴ - عدم اعتماد در روابط اجتماعی. یعنی کاستی که از روابط صمیمانه‌ای بهره‌مندند، مورد اعتماد هستند. در مورد مسائل سیاسی نیز روابط صمیمانه و شخصی از اهمیت بسزایی برخوردار است.

۵ - قدرت پیشوندی‌های خانوادگی، الگوهای خویشاوندی موجود که تا حد زیادی به رابطه خونی و رابطه ازدواج بستگی دارد. در رفتار اجتماعی و فعالیت‌های اقتصادی را تعیین می‌کند.

۶ - اهمیت سلسله مراتب، برای یک فرد اهل آمریکای لاتین، جهان از یک سلسله قشرها شکل گرفته است. ولی تمایل دارد که بیشتر چیزها را در مقیاس از پایین به بالا مورد مشاهده قرار دهد. در آمریکای لاتین انسانها برابر نبوده و از نظر هویت منحصر به فرد هستند.

۷ - مادپرگویی ملموس، از نظر سستی مردم آمریکای لاتین به آن نوع دارای اعتماد دارند که بتوانند آن را لمس نمایند و دیخور حصول

بدانند. سهام و اسناد مؤسسات و دستگاههای اقتصادی ملموس نیست و بهین دلیل چندان رغبتی در بین مردم برای داشتن آنها وجود ندارد. در مقابل مردم راغبند که در زمین و ساختمان، حتی اگر خودشان در آنها کار نکنند سرمایه‌گذاری نمایند. برنامه‌ها و طرحهایی نظیر بیمه و پس‌انداز، توسعه چندان پیدا نکرده‌اند.

۸ - گرایش به تقدیر، یکی از عوامل تعیین کننده سبک رفتار و نگرشهای افراد است. این باور به شکل کلی مبارزه قهرمانانه و گه‌گاه‌گیری

متفلسفه آشکار می‌گردد. گاو‌بازی که داستان غم‌انگیز رویارویی انسان با مرگ است، محبوبیت لاتاری در میان اهالی آمریکای لاتین و اتکای شدید به بخت و اقبال مثالهای زنده‌ای از آن است.

زمانی که توسعه اقتصادی به وقوع می‌پیوندد، فعالیتهای اقتصادی متعددی از نهاد خانواده جدا می‌گردد. تولید محصولات پولی منجر به جدایی فعالیتهای تولیدی و مصرفی خانواده می‌شود. نظام مزدوری، نظام تولید مبتنی بر خودمصرفی را از بین می‌برد و به این ترتیب کارکردهای خانواده دگرگون می‌شود. بتدریج خانواده وظایف تولیدی خود را از دست می‌دهد و فعالیت‌های بیشتر بر تأمین نیازهای عاطفی و اجتماعی کردن فرزندان متمرکز می‌گردد. ارجاع کار به افراد و استخدام نیروی کار، دیگر تحت تأثیر ملاک‌هایی از قبیل عامل خویشاوندی صورت نمی‌گیرد. الگوی قدرت با کاهش کنترل ریش سفیدان، تغییر پیدا می‌کند و خانواده هسته‌ای از خانواده گسترده متمایز می‌شود. خنجرهای ازدواج با افزایش اهمیت نظره‌فرد در گزینش همسر و استقلال اقتصادی، سیاسی و اجتماعی زنان تغییر پیدا می‌کند. به همان ترتیب دگرگونی‌های دیگری هم در سایر نهادهای اجتماعی پدید می‌آید. مثلاً در زمینه قشریندی اجتماعی، استخدام در پایگاههای شغلی، سیاسی و مذهبی بر اساس ملاک‌های ناسی از لیاقت و مهارت افراد صورت می‌گیرد تا ملاک‌های مبتنی بر اصل و نسب و وابستگی خانوادگی و به این ترتیب تحرک فردی افزایش پیدا می‌کند.

در قلمرو سیاست، سیستم‌های اقتدار قبیل‌های و دهکده‌ای جای خود را به سیستم‌های احزاب آرای عمومی، احزاب سیاسی، نمایندگی و دستگاه‌های اداری - کشوری می‌دهد. در قلمرو

آموزش، جامعه برای کاهش بی‌سوادی تلاش می‌کند و مهارتهایی را که از نظر اقتصادی مولد هستند، بیشتر می‌کند. در قلمرو دین، جانشینی سیستمهای معتقدات دنیوی به جای معتقدات اخسروی صرف آغاز می‌گردد و به طور کلی آمیختگی و اختلاط نقشهای سیاسی، مذهبی و... جای خود را به ساختهای تخصصی‌تر می‌دهد.

هولبرنز^{۱۱} نیز شش خصوصیت متمایزکننده زیر را برای جوامع سنتی برمی‌شمارد: نبود اقتدار فوق‌العاده متمرکز، سیستم موقعیت محول، روابط اجتماعی و اقتصادی شخصی، ارزشهایی در مورد اهمیت اجتماعی و اخلاقی کار که اشتغال به کار را به موقعیت متصل و بدین ترتیب آن را محدود می‌سازد، یک سیستم توزیع تنظیم شده که از طریق ادعاهای سنتی و عادات قوی سنتی مسلط بر رفتار اجتماعی - اقتصادی شکل گرفته است.

لیبه^{۱۲} با بازنگری مطالعات بسیار درباره تأثیر ارزشهای رایج در آمریکای لاتین بر توسعه، عوامل فرهنگی زیر را به عنوان متغیرهای مهم سازداری پشرفت تشخیص داده است. که مهمترین آنها ویژه‌گرایی خانوادگی، تأکید بر رفتار اظهاری تا وسیله‌ای، مجموعه‌ای از ارزشهای اشرافی منبعت از نظام نیمه فئودالی اجاره‌داری زمین، نخبه‌گرایی، کارفرمایی حمایت‌گرا، خوارشماری مصحلت‌گرایی و مادی‌گرایی، فقدان تخصص شغلی جهت‌گیری با دامنه تغییر کسوتاهمدت و نه بلندمدت در فعالیتها و سرمایه‌گذاریها و، امتناع از پذیرش ریسک می‌باشند.^{۱۳}



مجموعه مقالات فرهنگی
ژنرال جامع علوم انسانی

زیگل ویژه‌گرایی را به عنوان متغیر اصلی بازدارنده در مسیر توسعه آمریکای لاتین ذکر می‌کند. به نظر وی در آمریکای لاتین توجه اصلی کارفرمایان به این امر معطوف است که به هر صورت اعتبار اجتماعی خانواده نگهداشته شود. غریبه‌ها مورد اعتماد نیستند و در نتیجه سهام کارخانجات بندرت در بازار بورس فروخته می‌شوند. مدیران بر اساس ارتباطات خانوادگی و نه بر اساس آموزش تخصصی انتخاب می‌شوند. در بسیاری از مواقع کلبه پستهای مدیریت از یک خانواده انتخاب می‌گردند. وی دربارهٔ وضعیت برزیل چنین اظهار می‌دارد:

این موضوع که هیأت مدیره یک شرکت برزیلی از برادران، عموزادگان و وابستگان نسی یا سبسی آنها شکل گرفته باشد، یک امر عادی است. اسامی خانواده‌های مهم که صنایع مهم و اصلی برزیل را کنترل می‌کنند، برای اکثریت دانشجویان رشته اقتصاد شناخته شده است. افراد تازه‌وارد اغلب ورود به دایرهٔ شغلی را که تحت تسلط گروه‌هایی از خانواده‌های مهم و سرشناس قرار دارد بسیار مشکل می‌یابند.

توماس فیلول^{۱۲} پس از مطالعه مفصلی در مورد آرژانتین، متغیرهای فرهنگی بازدارنده در توسعه آرژانتین را بدین ترتیب معین می‌کند:

تمایل به تصور دنیا با حالتی انفعالی، پیوند فسرهنگی با حسال و تأکید بر اهداف فوری، خویشمردن کارهای بدی، جهت‌گیری به طرفد هستی، تأکید بر نام خانواده به عنوان متمایزترین نشانه‌های شخص فردی، اعتقاد به این امر که موفقیت زیاد تنها با انتظار، امید، احترام به مقدسات با نخت و اقبال به دست می‌آید و هرگز به صرفه جویی، کار و ابتکار بستگی ندارد. فیلول نتیجه می‌گیرد که جهت‌گیری ارزشی منفعلانه جامعه آرژانتینی عامل حیاتی یا اساسی است که ملت را از انجام رشد اقتصادی با ثبات دورنگه می‌دارد.

شسق دیگری از مدل‌های فرهنگی توسعه را می‌توان در این دو نظریه معروف دید:

الف: نظریهٔ خرده فرهنگ دهقانی مانع توسعه (از راجرز)
ب: نظریهٔ غیر محدود (از فاستر)

در نظریهٔ نخست، به اعتقاد راجرز در جریان دگرگونی و توسعه روستاها، شناخت و آگاهی از خصوصیات فرهنگی دهقانان از اهمیت بسزایی

● چگونه پروتستانیزم توانست ارزش‌هایی چون «کار زیاد»، «صرفه‌جویی»، «عدم فخرفروشی» را جایگزین ارزش‌های ثروت‌جویی و سودطلبی موجود نماید و سرمایه‌داری جدید را پایه‌گذاری کند؟

● فعالیت اقتصادی که زمانی خطری برای روح تلقی می‌شد، پس از غسل تعمید در آبهای الهیات کالونیستی، قداستی نو می‌یابد.

● رالف پیریس: زندگی سبکها در هند نشانگر وحدت‌گرایی آنها به دنیا و آخرت است.

● اعتقاد به جادو و طلسم در میان پزشکان هند، عقیدهٔ به طالع‌بینی در میان افسران و یا فال فنجان در میان اساتید دانشگاه یک امر عادی است و این موارد از عوامل بازدارندهٔ فعالیت‌های اقتصادی به حساب می‌آیند.

برخوردار است. برنامه‌های دگرگونی و توسعه‌یابی اجتماعی در روستا اگر بر پایهٔ شناخت ارزشها، وجهه نظرها و انگیزه‌های دهقانان استوار نباشد، شکست خواهد خورد.

علی‌رغم تنوع اقوام روستایی، می‌توان دربارهٔ دهقانان پاره‌ای ویژگی‌های کلی را که در اکثر فرهنگها مصداق دارد ذکر نمود. در میان خرده فرهنگهای دهقانان تشابهات معینی وجود دارد و این امر نه تنها در میان دهقانان یک کشور بلکه در کشورهای مختلف نیز مصداق دارد. خرده فرهنگ شامل بسیاری از عناصر فرهنگ کلی تو

است که خود جزئی از آن را تشکیل می‌دهد، اما در ضمن شامل بعضی جنبه‌های خاص است که در فرهنگ کلی تو وجود ندارد.

انگیزه‌ها، ارزشها و وجهه نظرها در خرده فرهنگ دهقانی از عناصر مهم و اصلی به شمار می‌آیند و کلیدهای برای درک رفتار به شمار می‌آیند. انگیزه‌ها عبارتند از نیازها و علائق در مورد انواع خاصی از فعالیتها که نمایانگر عدم تعادل و یا عدم رضایت از برخی اهداف است.

ارزش‌های اجتماعی، عبارتند از پیش‌فرضهای ناآگاهانه و مجرد در مورد اینکه از لحاظ اخلاقی چه چیزی درست تلقی می‌شود و طبیعی است که این ارزشها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند. ارزشها به عنوان راهنماهای عمومی برای رفتار فرد به کار می‌روند، اما در پیش‌بینی صریح کنش فرد در آینده حالت بسیار انحرافی به خود می‌گیرند.

وجهه نظر، عبارت از آمادگی ذهنی برای انجام کاری است و یک حالت ذهنی و نشانه‌هایی از عملی که فرد تمایل به انجام آن را در آینده دارد، از آن استنباط می‌شود. بنا به یک تعریف دیگر وجهه نظر عبارت است از «وضع روانی که یک فرد انسانی به منظور عمل کردن بر له یا بر علیه یک هدف معینی به خود می‌گیرد»^{۱۵}

راجرز به ده عنصر اصلی از خرده فرهنگ دهقانی اشاره می‌کند:

- ۱- عدم اعتماد متقابل در روابط شخصی
- ۲- فقدان نوآوری
- ۳- گرایش به تقدیر
- ۴- پایین بودن سطح آرزوها و تمایلات
- ۵- عدم توانایی چشم‌پوشی از منافع آنی به خاطر منافع آنی
- ۶- کم‌اهمیت تلقی کردن عامل زمان
- ۷- خانواده‌گرایی
- ۸- وابستگی به قدرت دولتی
- ۹- محلی‌گرایی
- ۱۰- فقدان همذلی

به نظر راجرز جوامع دهقانی با خصوصیات نظیر عدم اعتماد فرمایین، بدگمانی و حيله و تزویر در روابط شخصی مشخص می‌شوند. دهقانان عقیدهٔ محدودیت خوبی یا خیر را باور دارند و در این رابطه معتقدند که نفع یک فرد در ضرر دیگری است. به مأموران دولتی با دشمنی و وابستگی نگاه می‌کنند. هدفهای فرعی دهقانان

تابمی از هدفهای خانوادگی است. دهقانان به طور کلی فاقد انگیزه پیشرفت‌اند و وجهه نظر نامساعدی نسبت به هرگونه تغییری در زندگی خود دارند. وجود تمایلات گرایش به تقدیر به مقدار زیادی در میان دهقانان گزارش شده است. تمایلات اجتماعی شامل، وضع و شأن مورد علاقه در آینده، سطح زندگی، پایگاه اجتماعی و شغل است. از اکثر مطالعات انجام شده در این زمینه برمی آید که دهقانان به طور نسبی از تمایلات و آرزوهای محدودی برخوردارند. به علاوه دهقانان از لذایذ و خوشی‌های آس زندگی به خاطر اجرو و پاداش در آینده صرف نظر نمی‌کنند. دهقانان نسبت به دنیا دید وسیعی ندارند. آنان فاقد تحرک جغرافیایی و بسیار محلی‌گرا هستند و به آینده‌نگری محدودی نیز دچارند. به نظر می‌رسد که شیوه زندگی دهقانی شامل بسیاری از موانع اجتماعی - روانی است که آنها را نوسازی و تغییر در این قبیل جوامع باز می‌دارد.^{۱۶}

ب - عقیده خیر محدود^{۱۷}

از جامعه‌شناسان عمده‌ای که موانع فرهنگی توسعه را بررسی کرده‌اند باید از فاستر نام برد. فاستر به اساس مطالعات میدانی خود در یکی از روستاهای مکزیک به شواهدی از عقاید محافظه‌کارانه و فقدان علاقه در بهره‌برداری از فرصتهای جدید اقتصادی و اجتماعی در میان دهقانان توجه کرد. بر این اساس او یافته‌هایش را تعمیم بخشید و به این باور رسید که بیشتر دهقانان درباره دنیا، نسبت به سایر قشرها کاملاً متفاوت است. به اعتقاد وی یکی از دلایل عدم اعتماد متقابل در روابط شخصی دهقانان را باید ناشی از تصور خیر محدود دانست. دهقانان می‌پندارند که تمامی چیزهای مطلوب زندگی (زمین، ثروت، تندرستی، دوستی، عشق، قدرت و امنیت) محدود بوده و مقدار موجود را با توجه به قدرت دهقان نمی‌توان افزایش داد. بدین

● گاوبازی که داستان غم‌انگیز رویارویی انسان با مرگ است، محبوبیت لاتاری و اتکای شدید بدبخت و اقبال از خصوصیات مردم آمریکای جنوبی است.

ترتیب با توجه به محدودیت نعمتها و نظام بسته ده (در نتیجه انزوای جغرافیایی و سایر عوامل) به طور منطقی پیشی گرفتن هر فرد به‌زیان دیگری تمام می‌شود. این جهت‌گیری معرفتی به بدگمانی دهقان به همسایه همیشه گسترش‌ناپذیر منجر می‌شود. بنابراین اگر فردی تلاش کند که سهم بیشتری از نعمت موجود را مصرف کند از سهم همقطاراناش کاسته می‌شود.

● این موضوع که هیأت مدیره یک شرکت برزیلی از برادران، عموزادگان و دیگر وابستگان شکل گرفته باشد یک امر عادی است.

فاستر چارچوب بحث خود را به این ترتیب گسترش می‌دهد که اگر دهقان مکزیک دنیای خود را طوری می‌بیند که در آن نعمت محدود و غیرقابل گسترش است. منطقی چنین حکم می‌کند که امنیت خود را از طریق حفظ موقعیت خود در نظم سنتی اشیاء به حداکثر برساند. از لحاظ نظری دو راه برای مردمی که خود را در وضع تهدید شده بر اثر وجود تصور «خیر محدود» می‌بینند، وجود دارد: اول اینکه به همکاری و تعاون بپردازد و اختلافات شخصی خود را برطرف نماید و علیه هرگونه فردگرایی جرایم قانونی وضع کند، دوم اینکه راه مخالف، یعنی فردگرایی انجام‌گسیخته را که در آن هرکس به فکر خویش است، دنبال کند.

● در فرهنگ آرژانتین، تمایل به تصور دنیا با حالتی انفعالی، پیوند فرهنگی با حال و تأکید بر اهداف فوری و خوارشمردن کارهای یدی، از موضوعات ارزشی می‌باشند.

اینده «خیر محدود» عمومی‌ترین تجلی نگرانی دهقان در مورد امنیت و تعادل است. این عقیده به همراه سایر مکانیسمهای اجتماعی و فرهنگی می‌تواند عدم تعادلی را که بین افراد و خانواده‌ها در درون ده ایجاد می‌گردد، برطرف سازد. به علاوه مکانیسمهای هم برای غش کردن اثرات عدم تعادل اقتصادی در درون ده بوجود آید. مثلاً برگزاری جشنهای مذهبی پرهزینه.



در پایان بحث ذکر نکته‌ای لازم و ضروری است. علیرغم اینکه نظریات مذکور در فوق هر کدام تبیین و تحلیل خاصی از چگونگی نقش عوامل فرهنگی و اجتماعی در نوسازی جامعه ارائه می‌نمایند، لیکن، بومی کردن راه‌حلها، با فرض قبول مسیر کلی حرکت، امری است که جنبه فرهنگی یا ایدئولوژیک ندارد، بلکه جنبه کارکردی آن، به اعتباری، می‌چربد. زیرا پذیرش

10-Gill,1960 ۱-آشوری، ۱۳۵۷، ص ۳۹
 11- Hoselitz,1957 ۲-قاضیان، ۱۳۷۱، ص ۱۶
 12- Lipset,1967 ۳-همان، ص ۱۷
 13- Ibid ۴-ویر، ۱۳۷۱، ص ۱۹-۱۸
 14. Fillol,1960 ۵-ازکیا، ۱۳۶۲، ص ۱۰۲
 15. Droba,1974,P.24 ۶-همان، ص ۱۰۶
 ۱۶- ازکیا، ۱۳۶۲، ص ۵۴-۷۶
 ۱۷- ازکیا، ۱۳۶۲، ص ۹۲-۹۵
 ۱۸-قاضیان، ۱۳۷۱، ص ۱۳

عناصر دنیای جدید در زمینه سنتی، به دلیل ناسازگاری عمیق آنها - که ناشی از مبادی و اصول متفاوت فکری است - به سادگی صورت نمی‌گیرد و معمولاً با تنشها و بحرانهای دافعه‌دار مواجه می‌شود.
 بنابراین تنها راه ممکن برای ترویج خصوصیات فرهنگی مدرن و مساعد توسعه، بازسازی و تفسیر مجدد عناصر سنتی است، به نحوی که با مقتضیات دنیای جدید سازگار شود. البته پیچیدن این راه مستلزم فرض قبول توسعه معمول و هدفهای آن است. وظیفه روشنفکر جامعه سنتی در قبال مسأله توسعه، از درون همین مشکل می‌جوشد و بیرون می‌آید.^{۱۸}

کتابشناسی

۱- ازکیا، مصطفی ۱۳۶۹، مقدمه‌های سر جامعه شناسی توسعه روستایی، تهران: انتشارات اطلاعات
 ۲- آشوری، داریوش ۱۳۵۷، تعریفها و مفهومی فرهنگ، تهران: انتشارات مرکز اسناد فرهنگی آسیا
 ۳- توسلی، غلامعباس ۱۳۶۹، نظریه‌های جامعه شناسی، تهران: انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها-استاد، دانشگاه علامه طباطبائی
 ۴- سیف‌زاده، عبدحسین ۱۳۶۸، نوسازی و دگرگونی سیاسی، تهران: نشر سفیر
 ۵- قاضیان، حسین ۱۳۷۱، نظریه‌های توسعه و عوامل فرهنگی، مجله فرهنگ توسعه، سال اول، شماره ۲
 ۶- ویر، ماکس ۱۳۷۱، اخلاق پس‌روشنایی و روح سرمایه‌داری، ترجمه عبدالمعبود انصاری، تهران: انتشارات دانشگاه

Droba,D. 1974 The Nature of Attitude,Penguin
 Fillo,ThomasR. 1960 Social Factors in Economic Development, Cambridge:M.I.T.press.
 Gillin,Johnp. 1960 Some sign.posts for policy,in Richard Adams ,et.al.(ed.) social change in Latin America today Newyork:VintageBook
 Hoselitz,Berf.t 1957 Urbanization and Economic Growth in Asia ,Economic Development and Cultural Change,No .6,october.

Lipset,seymour 1967 Values,Educatons and Enterprenourship,in seymour Lipset and Aldo Solari(eds.).Elites in Latin America,new york:oxford University Press.
 Rose,Arnold M. 1970 Sociological Factors Affecting Economic Development in India,in Monte Palmer(ed). The Humman Factor in Political Development, Walthma,Mass:Ginn and Company.
 Rose,Ralph 1962 Symbols and Civilization:Science,,Morals,Religion,Irf,New york:Harcourt, Brace and World.